



عملیات‌های ضربتی علیه آلودگی‌های
خرید و فروش مواد مخدر، امنیت را دوباره به
محدوده کال دروی بازگردانده اما رفع پلمب‌ها
نگرانی‌هایی را به دنبال داشته است

بازگشت گودزیلا!

اما هیچ کس جرئت خبر دادن نداشت. من بارها از همسایه‌ها شنیدم که همان مواد فروش‌ها تهدیدشان کرده بودند که خانه‌تان را آتش می‌زنیم یا بچه‌تان را می‌دزدیم و از این حرف‌ها!، «سال‌ها بود که چند کوچه از خیابان رسالت به دلیل حضور معتادها، در بر خی از ساعات روز امنیت درست و حسابی نداشت و تردد در آن به قول یکی از اهالی دل شیر می‌خواست»، حسینی که پسرش یک‌بار دچار زورگیری آن‌ها شده است، با بیان این صحبت‌ها تعریف می‌کند: «باور کنید بیشتر کاستی‌های امنیتی محله به خاطر حضور و تردد همین معتادها بود. اگر پولشان برای مواد خریدن تمام می‌شد و کسی چیزی به آن‌ها نمی‌داد، زورگیری می‌کردند. سرراه زن‌ها و بچه‌های کم‌سن و سال را می‌گرفتند و با سرنگ آلوده به آنان حمله می‌کردند تا هر چه پول و وسیله قیمتی دارند، بدهند. می‌دانید در اینجا چقدر گوشواره از گوش دختر بچه‌ها باز کردند؟ می‌دانید که چه اندازه از خود روه‌ها و خانه‌ها سرقت می‌شد؟ این چند ماهه حالمان خیلی خوب است. واقعا دست دادستانی و بسیج و نیروی انتظامی در نکلند که این طور امنیت را برقرار کردند و دیگر اجازه جولان دادن به موافروشان و معتادها نمی‌دهند.»

از ترس آن‌ها دخترانمان را در خانه حبس می‌کردیم

دودا این نبود امنیت و آرامش بیش از همه در چشم بانوان و کودکان این خیابان‌های ناام می‌رفت. خانم‌هایی که به قول خودشان یاداعا و صلوات پایشان را از خانه بیرون می‌گذاشتند تا مبادا اتفاق بدی برایشان رخ دهد. یکی از همان بانوان که علاقه‌ای به ذکر نامش ندارد، می‌گوید: «خیلی از خانم‌های محدوده محله و کال دروی جرئت تنها بیرون آمدن از خانه را نداشتند، چون بی شک معتادها اذیتشان می‌کردند یا از آن‌ها زورگیری می‌کردند. دم غروب و شب‌ها اگر بیرون از خانه بودیم و می‌خواستیم برگردیم که مصیبت داشتیم، نمی‌شد بدون یک مرد همراه در کوچه پا بگذاریم؛ چون بیشتر همان ساعت‌ها بود که سروکله‌شان پیدا می‌شد. شما خودتان را بگذارید جای ما، جرئت می‌کنید از کنار کسی که با وضعیتی زننده در حال استعمال مواد مخدر است، رد شوید؟ خدا شاهد

با سرنگ آلوده به آنان حمله می‌کردند اهالی محدوده رسالت ۵۷ و ۵۹ و ۷۴ و ۷۶ هنوز آن روزهایی را که به خاطر وجود همین معتادها و موافروشان امنیت و زندگی‌شان مختل شده بود، خوب به یاد دارند. حسن زاده ما را تا نزدیک یک خانه می‌برد و می‌گوید: «اینجا یکی از همان خانه‌هایی است که در آن مواد می‌فروختند. خود فروشنده روی درش یک کاغذ چسبانده بود که تجمع معتاد پشت دیوار ممنوع است. یک سوراخ در دیوار پشتی خانه درست کرده بودند که از همان جا پول دریافت و مواد تحویل داده می‌شد. معتادی هم که حسابی خمار بود، امان نمی‌داد و همان‌جا پشت سوراخ دیوار شروع به کشیدن مواد می‌کرد. شاید باورتان نشود ولی ما در اینجا خانه‌هایی داشتیم که عمده فروش مواد مخدر بودند و کیلوکیلو جنس جابه‌جایی می‌کردند. خدا را شکر که ریشه‌شان کنده شد.»

«بعضی از این خانه‌ها اصلا محل زندگی نبود». با این جمله ریحانی هم به جمع ما اضافه می‌شود و ادامه می‌دهد: «اگر اجازه بدهند در برخی از این خانه‌ها را باز و داخلش را نگاه کنید، جز ساختمانی مخروبه هیچ چیز دیگری نمی‌بینید. اصلا یک لحظه هم نمی‌توانید فکر کنید که داخل آنجا آدم رفت و آمد کند. این خانه‌ها پاتوق معتادان بود. می‌رفتند داخل، مواد می‌خریدند و بی‌ترس و واهمه مواد مصرف می‌کردند. همه هم قضیه فروش و مصرف مواد را در این آلودگی‌ها می‌دانستند،

استادی - مردم از برقراری دوباره امنیت خوشحالند اما عده‌ای هم ابراز نگرانی می‌کنند. روی دیوار خانه، درشت، با رنگ قرمز نوشته شده: «این مکان به علت فروش مواد مخدر پلمب گردید». همان طور که مشغول واریسی کردن خانه هستیم، یکی از رهگذران پیش می‌آید و می‌گوید: «نامردها روزگارمان را سیاه کرده بودند. اینجا از صبح تا شب معتادها جمع می‌شدند و مواد می‌خریدند. همه هم می‌دانستند که این آقا موافروش است، اما در طول این سال‌ها هیچ بر خوردی با او نکردند. اما خدا به این بسیجی‌ها و دادستانی خیر بدهد که بالاخره بساط این‌ها را جمع کردند». به گشت وگذارمان در محدوده خیابان رسالت و کال دروی ادامه می‌دهیم و موارد متعددی از این خانه‌ها می‌بینیم که پلمب شده‌اند. وقتی با همسایه‌ها و اهالی صحبت می‌کنیم، آن‌ها را خوشحال از امنیت و آرامش برقرار شده در این چند ماه اخیر می‌بینیم. اما این روزها برخی از مردم هم نگرانند. دغدغه این روزهای آن‌ها شده خانه‌های پلمب شده‌ای که دوباره، مجاز یا غیر مجاز، رفع یافک پلمب شده‌اند و کم‌کم موافروشان و معتادان در حال بازگشت به این به اصطلاح خانه‌ها یا آلودگی‌ها هستند.

